



# تک‌گویی‌های مُدرن

برای زنان | ویراستهٔ کریس سالت | محسن کاس‌نژاد |

Modern Monologues for Women | Chrys Salt | Mohsen Kassnejad |

## | فهرست |

۱۳	مقدمه
۲۱	مادمازل ژولی نوشته آگوست استریندبرگ
۲۵	ریشه‌ها نوشته آرنولد وسیکر
۲۹	بهار دیگران نوشته ژان-ژاک برنار
۳۳	اولین نمایشنامه فانی نوشته جورج برنارد شاو
۳۹	قلعه و تپه‌تپه‌ها نوشته فرانک و دیکینت
۴۳	بافندگان نوشته گرهارت هاوپتمان
۴۷	آشفتگی‌ها نوشته آلن ایکبورن
۵۱	متأسفیم که به زحمت افتادید نوشته نوئل کاوارد
۶۱	زن خوب ایالت سچوان نوشته برتولت برشت
۶۵	کامیل نوشته پیم جمس
۶۹	آوازخوان طاس نوشته اوژن یونسکو
۷۳	شراب در بیابان نوشته آلیس چیلدرس
۷۷	سینما عدن نوشته مارگریت دوراس
۸۳	روز قدیس نوشته جان وایتینگ
۸۹	میهمان ناخوانده نوشته آگاتا کریستی
۹۳	کی دی دافورد صدای کی دی دافورد را می‌شنود... نوشته دیوید هالیول
۹۷	یک عالمه نوشته دیوید هیر
۱۰۳	بازی بایبر نوشته دوریس لسینگ

- کلفت‌ها نوشته ژان ژنه ۱۰۷
- چی ببوشم؟ نوشته هرمائینی جینگلد ۱۱۵
- اشک‌های تلخ پترافون کانت نوشته رینرورنر فاسبیندر ۱۱۹
- میری بارنز نوشته دیوید اِدگار ۱۲۳
- تمرین اجرا نوشته ژان آنوی ۱۲۹
- به کرو لاین چه بگوئیم؟ نوشته جان مور تیمر ۱۳۵
- شب ایگوآنا نوشته تنسی ویلیامز ۱۴۱
- دون خوان یا عشق به هندسه نوشته ماکس فریش ۱۴۷
- زوج رهان نوشته داریو فو و فرانکا ریم ۱۵۱
- رؤیای امریکایی نوشته ادوارد آلبی ۱۵۷
- روزالیند نوشته جی. ام. بری ۱۶۳
- اکوس نوشته پیتر شفر ۱۶۹
- زنی بی اهمیت نوشته اُسکار وایلد ۱۷۳
- علیامخدره ززیتای ترشیده نوشته فدریکو گارسیا لورکا ۱۷۹
- فیلمونا مارتورانو نوشته ادواردو د فیلیپو ۱۸۳
- شبی بیرون از خانه نوشته هرولد پینتر ۱۸۹
- باغ وحش شیشه‌ای نوشته تنسی ویلیامز ۱۹۵
- قطعا! (شاید) نوشته لوئیجی پیراندلو ۱۹۹
- برای لوکریس نوشته ژان ژیرودو ۲۰۳
- اوبو شاه نوشته آلفرد ژاری ۲۰۹

## | مادمازل ژولی<sup>۱</sup> |

## | نوشته آگوست استریندبرگ<sup>۲</sup> |

## | ترجمه مایکل میر<sup>۳</sup> |

بسیاری استریندبرگ را پدر تئاتر سده بیستم می‌پندارند. او با دعوت از بازیگرانش برای نزدیک شدن به اجراهای رئالیستی، الگوی سنت کلاسیک «تصنعی»<sup>۴</sup> (ساختگی) سده نوزدهم را درهم شکست و تغییر داد. استریندبرگ مادمازل ژولی را به‌عنوان «نخستین تجربه از سری تراژدی‌های رئالیستی» توصیف می‌کند که در آن دیالوگ‌ها به‌شدت معاصر هستند.

ماجرای نمایشنامه در یک میهمانی نیمه‌شب تابستان رخ می‌دهد؛ در خانه اشرافی بزرگی که متعلق به پدر خانم ژولی است. او که از رقصیدن به‌وجد آمده، به آشپزخانه می‌رود و با ژان<sup>۵</sup> آبدارباشی کاخ پدر و نامزد او کریستین<sup>۶</sup> روبه‌رو می‌شود. ژان مردی خوش‌تیپ، مغرور و خودآموخته است، با ایده‌هایی فراتر از موقعیت اجتماعی‌اش. خانم ژولی جوان، اشرافی‌منش، پُرشور، فتنه‌انگیز، لوند و دغل‌باز است. او از زیرپاگذاشتن قوانین جنسیت و طبقه اجتماعی‌اش لذت می‌برد. کشش سوزانی میان خانم ژولی و ژان وجود دارد که عنصر اساسی شکل‌گیری ماجرای است که در آن بازی موش‌و‌گره و عشق و نفرت و سیاست‌های جنسیتی-طبقاتی در جریان است.

1. *Miss Julie*
2. August Strindberg
3. Michael Meyer
4. stagy
5. Jean
6. Christine

مادمازل ژولی: (جیغ‌کشان) منوهم بکش! منوبکش! توکه می‌توننی یه

حیوون بی‌گناهو بدون ترس ولرز سلاخی کنی! آه، چقدر ازت متنفرم، ازت بیزارم! حالا میون ما خون حاکمه! لعنت به اولین باری که چشمم بهت افتاد، لعنت به لحظه‌ای که نطفه‌م توی رجم مادرم بسته شد!

[ژان: حالا لعنت‌کردن چه سودی داره؟ بیا بریم!]

مادمازل ژولی: (انگار برخلاف میلش به سوی تخته‌گوشت خُردکن می‌رود.) نه، فعلاً نمی‌خوام برم. نمی‌تونم - باید نگاه کنم - ششش! صدای کالسکه می‌آد! (حواسش به صدای کالسکه است، اما لحظه‌ای چشم از روی تخته‌گوشت خُردکن و ساطور بر نمی‌دارد.) فکر کردی من طاقت دیدن خونوندارم؟ فکر کردی من این قدر ضعیفم؟ - آخ، دلم می‌خواد خون و مغز توروری این تخته‌بینم - دلم می‌خواد تمام هیکلتو غرق دریاچه خون بینم - گمونم بتونم خون توی کاسه سرتو سربکشم، دلم می‌خواد پاهامو توی دل وروده بشورم، قلبتو کباب کنم و بخورم! فکر می‌کنی من ضعیفم - فکر می‌کنی عاشقت بودم، چون که بطنم خواهان بذرت بود، فکر می‌کنی دلم می‌خواد جنین توروتوی دلم نگه دارم و با خون خودم تغذیه‌ش کنم، برات بچه به دنیا بیارم و اسم و رسم تورو به خودم بگیرم! راستی، اسم فامیلی تو چیه! هیچ وقت به گوشم نخورده - شاید اصلاً فامیلی نداری. اسمم می‌شه خانم «آشپزباشی» یا خانم «آقای توالت چی» - سگی که قلاده من به گردنشه، نوکری که نشون خونوادگی من روی دکمه‌های لباسشه - زندگیمو با آشپزباشی خودم قسمت کنم؟ بشم